

مجموعه داستان‌های کوتاه شاهکار

(۶)

مجموعه‌ای زیر باران

و در دامن کوتاه دیگر

ارنست همینگوی - رونالد دال

ترجمه: تیمور قادری

سرشناسه	قادری، تیمور، ۱۳۳۷ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	گره‌ای زیر باران و دو داستان کوتاه دیگر / ترجمه اصحیح: گردآورنده و مترجم / تیمور قادری.
مشخصات نشر	تهران: مهتاب، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۶۸ص.
فروست	مجموعه داستانهای کوتاه شاهکار؛ ۶
شابک	978-600-1510-45-8
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتاب حاضر ترجمه و گردآوری داستانهایی از ارنست همینگوی، رونالد دال می باشد.
موضوع	داستان‌های کوتاه -- مجموعه‌ها
موضوع	Short stories -- Collections
شناسه افزوده	Dahl, Roald
شناسه افزوده	همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹ - ۱۹۶۱م.
شناسه افزوده	Hemingway, Ernest
شناسه افزوده	دال، روال، ۱۹۱۶ - ۱۹۹۰م.
شناسه افزوده	Dahl, Roald
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ۴۳۲ / PZ
رده بندی دی‌سی	۸۰۸/۸۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۶۰۶۲



انتشارات مهتاب

نام کتاب	:	گره‌ای زیر باران و دو داستان کوتاه دیگر
نویسنده	:	ارنست همینگوی - رونالد دال
مترجم	:	تیمور قادری
چاپ اول	:	۱۳۹۶
تعداد	:	۳۳۰
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۱۵۱-۰۴۵-۸
ناشر	:	مهتاب
قیمت	:	۶۵۰۰ تومان

مرکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۸۵

تلفن: ۶۶۴۹۱۷۴۷-۶۶۴۹۰۶۱۶ فاکس: ۶۶۴۸۷۲۱۸

فهرست مطالب

۵	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	داستان قو: رونالد دال
۴۷	گربه‌ای زیر باران؛ ارنست همینگوی
۵۴	مشت‌زن: ارنست همینگوی

مقدمه‌ی مترجم

تاکنون در این شش شماره‌ی از مجموعه داستان‌های کوتاه شاهکار؛ هفتاد و پنج داستان کوتاه نیمه بلند، از این نویسنده را ترجمه کرده‌ام: پسری ده با حیوانات حرف می‌زد؛ مسافر مجانی، داستان عجیب هنری شوگر؛ مل گوسفند؛ و داستان نیمه بلند قو.

البته؛ این نویسنده دو مجموعه بزرگ از داستان‌های کوتاه خود را به سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ به چاپ رسانید. رونالد دال در سال ۱۹۱۶ از یک پدر و مادر نروژی در ولز چشم به جهان گشود. وی دوران طفولیت را در انگلستان سپری ساخت و در سن هیجده سالگی برای کار وارد کمپانی نفتی شل در آفریقا شد.

هنگامی که جنگ جهانی دوم شروع شد؛ وی به نیروی هوایی سلطنتی پیوست و به عنوان یک خلبان هواپیماهای جنگنده وارد عرصه جنگ گردید. در سن بیست و شش سالگی به واشنگتن نقل مکان کرد؛ و در اینجا بود که وی کار نوشتن را آغاز نمود. اولین داستان کوتاه او، که به شرح وقایع در جنگ می‌پرداخت؛ توسط «ساتردی ایوینینگ پُست» (Saturday evening post) خریداری شد؛ و به تدریج به عنوان یک کار برجسته جلوه کرد.

بعد از تثبیت جایگاه خود به عنوان نویسنده‌ای از برای بزرگسالان؛ رنالد دال، در حالی که با خانواده‌اش در انگلستان زندگی می‌کرد؛ شروع به نگارش داستان‌هایی از برای کودکان نمود. اولین داستان‌های او در این حوزه به عنوان سرگرمی برای فرزندان خودش به رشته تحریر درآمد؛ یعنی همان کسانی که بیشترین کتاب‌هایش را به آنان تقدیم داشته است.

رنالد دال اکنون یکی از محبوب‌ترین داستان‌نویسان زمان ماست. با آنکه وی در سال ۱۹۹۰ درگذشت؛ اما محبوبیت و شهرت وی، همچون رمان‌های بسیار خوب‌اش، از جمله «جیمز و درخت هلوی عظیم‌الجثه؛ ماتیلدا؛ بی. اف. جی؛ و چارلی و کارخانه شکلات؛ همچنان رویه افزایش است؛ و خیل فزاینده‌ای از طرفداران را شاد می‌سازند.

کوشتین بلیک، یک هنرمند شناخته شده است؛ که کارش او را در هر دو سوی اقیانوس اطلس، محبوب ساخته است. وی اکثر آثار رنالد دال را در حوزه‌ی کودکان و همین‌طور بسیاری دیگر از آثار او را به طرزی زیبا، مهیور ساخته. وی در لندن زندگی می‌کند؛ جایی که در کالج سلطنتی هنر به آموزش مصورسازی مشغول است.

اما در مورد آثار او چه در حوزه‌ی کودکان و چه بزرگسالان می‌توان نکاتی چند را به طور خلاصه مطرح کرد. وی برخلاف آن دست‌انگارندگان سخت‌نویس معاصر؛ نثری روان دارد و از عبارات و واژگانی سود می‌جوید؛ که خوانندگان را با هر درجه‌ای از سواد و تحصیلات، تا آخر به دنبال خود می‌کشد؛ و این جذابیت در گُل داستان‌های او از ابتداء تا آخر فروکش نمی‌کند و هر لحظه بر اشتیاق

خواننده برای پیگیری ماجرا تا آخر، می افزاید. عبارت ساده، همه فهم و زیبا؛ جملات کوتاه، استفاده از اصطلاحات و عبارات زنده و پربسامد؛ از مواردی است که این کشش و اشتیاق را در خواننده دوچندان می کند.

نکته دیگر در مورد آثار وی؛ وجود شخصیت هایی بسیار معمولی در جامعه است؛ که با توصیف تراویده از قلم او، ما را به وجود آنان مستوعه می سازد. شخصیت هایی که در عین سادگی؛ دوست داشتنی اند و محبوب خواننده. همین شخصیت های عادی وقتی که در قلم او به تصویر درمی آیند؛ بزرگ جلوه می کنند؛ و ما به عمق احساسات آنها پی می بریم. شخصیت هایی که اگر در زندگی روزمره و در کوچه و خیابان آنها را ببینیم؛ شاید چندان تعجب مان را برنیانگیزد و خیلی عادی آنک را بشماریم؛ اما با واکاوی درون آنها؛ آن هم از طریق قلم او؛ درمی یابیم که برخلاف تصور؛ آنها افکار پیچیده دارند و درونی پرتلاطم.

اما شاید مهم ترین نکته در مورد آثار او، تنوع داستان های کوتاه و نیم بلند؛ این باشد؛ که ابتداء به صورتی بسیار معمولی؛ با گفتاری بسیار ساده شروع می شوند؛ آنگونه که ما اصلاً تصور نمی کنیم؛ که این داستان یا داستان ها به چه سرانجام های نیک و بدی می ریزند. او اوج داستان را به گونه ای رقم می زند، که خواننده را به حیرت وامی دارد. به ظاهر شخصیت ها، ساده و معمولی اند؛ اما درونی پرتلاطم و پیچیده دارند.

مثلاً در داستان مسافر مجانی؛ مردی که در میان سوار اتومبیل شخصیت اصلی داستان می شود؛ بسیار شوخ طبع است؛ مردی است

که گویا زندگی را آسان می‌گیرد؛ اما در آخر ماجرا، هم شخصیت اصلی و همراه با او خوانندگان را به خود می‌آورد؛ او خود یک جیب‌بُر است که نه تنها وسایل شخصیت اصلی داستان، بلکه جیب پلیسی را هم که جلوی آنها را در جاده می‌گیرد؛ خالی می‌کند؛ جیب‌بری که خود را اینگونه نمی‌نامد؛ بلکه خود را فردی با مهارت می‌خواند که خوب می‌داند چگونه با انگشت‌های خود کار کند.

و یا در داستان مثل گوسفند؛ کارآگاه پلیس که ظاهراً شخصیت اصلی داستان است؛ همسری دارد که در ابتداء در چشم و دل ما به عنوان یک زن ساده‌دل و بی‌ثیله پيله جلوه می‌کنند؛ کسی که ظاهراً از ظرایف کار شوهر خرد به عنوان یک افسر تجسس بی‌خبر است. این زن در خانه مشغول به سنت و نپراست و دوخت و دوز، معمولاً با همسر خود پنجشنبه‌ها برای صرف غذا به بیرون می‌روند و ظاهراً این تنها سرگرمی او در این زندگی است. اما به محض آنکه شوهرش به او می‌گوید که قصد ازدواج دارد و می‌خواهد او را طلاق دهد. زن با ظاهری آرام و بی‌آنکه جابخورده؛ به تهیه شام شب می‌پردازد؛ اما در همین حال شوهرش را با ضربه‌ای از پشت سر به قتل می‌رساند. وی با خروج از خانه و انجام خریدهایی چند از مغازه سبزی‌فروشی می‌گوید که قصد دارد برای همسرش شام فراهم آورد و از این حیث، شاهدانی را نیز برای خود دست و پا می‌کند. چون به خانه برمی‌گردد؛ به اداره‌ی پلیس خبر می‌دهد که وی بعد از بازگشت به خانه با جسد شوهرش روبرو شده است و از آنها برای تحقیق و تفحص کمک می‌خواهد. این زن صحنه را به گونه‌ای می‌چیند که حتی کارآگاهان پلیس ذره‌ای شک در گفته‌های او نمی‌کنند. ظاهراً از دید خواننده‌ی

او یک زن معمولی خانه دارست؛ اما غافل از آنکه وی در جریان زندگی، بی آنکه شوهرش متوجه شود؛ ظرایف کار پلیس را در امر تجسس و تحقیق به خوبی فرا گرفته است و وی نه یک زن معمولی، آنچنانکه در ابتدای داستان؛ بلکه زنی بسیار دقیق و هوشیار در انتهای داستان؛ ظاهر می شود.

کته دیگر که در داستان های کوتاه و بلند او حائز اهمیت و توجه است نگاه وی به زندگی است؛ و اینکه چه زود این دوران می گذرد و انسان باید برای سفری بی پایان و بی بازگشت شود. در داستان عجیب منی شمر؛ شخصیت اصلی داستان با خواندن گزارشی مربوط به یک مرد همدان، که بدون چشمانش نیز می دیده، سخت تحت تأثیر قرار می گیرد. با آموختن راز و رمز این کار، در بازی با کارت در محافل دوستان و هماینانها ثروت هنگفتی به چنگ می آورد، حرص او در ابتدای داستان، تلاش برای کسب ثروت و پول زیاد است؛ و اشتیاق او در پایان داستان؛ صرف این پول برای کودکان یتیم و درمانده است؛ و اینکه به کمک چند تن از دوستان خود؛ چندین و چند یتیم خانه در شهرهای مختلف برپا می سازد.

جالب آنکه اصلاً دوست ندارد کسی از نام او و تلاشش در این زمینه آگاهی یابد. بالاخره هنگامی که نگارنده می خواهد زندگی نامه ی او را بنویسد؛ درمی ماند که نام واقعی او چه بوده است؛ هر چه بوده، قطعاً هنری شوگر نبوده است.

رونالد دال، برخلاف شماری از قلم به داستان، که زندگی پروپاقرصی ندارند و خود در یک آشفتگی غوطه می خورند؛ فردی خانواده دار و خانواده دوست است؛ که شدیداً به فرزندانش عشق

می‌ورزد. و چه زیباست که هنرمند؛ زندگی خصوصی‌اش هم هنرمندانه و پاک و بی‌آلایش باشد. و او این چنین بود.

نکته دیگری که در مورد شخص وی و آثارش بسیار مهم است؛ اینکه وی بخشی از زندگی خود را به عنوان خلبان در جنگ جهانی دوم گذرانید؛ اما هرگز اجازه نداد که خشونت‌های ناشی از این جنگ بزرگ بر روح و قلب‌اش سایه انداخته و سنگینی نماید؛ که بهترین راه برای گریز از مسلخ؛ همانا. روی آوردن به دنیای پاک و بی‌آلایش کودکان است؛ و اینکه برای آنها نوشتن و دل‌های کوچک‌شان را شاد کردن؛ که این ترفند روحیه، می‌تواند همچنان در پیچه‌های قلب انسان را برای پاسداری به ندای کمک‌خواهی دیگران، بازنگه دارد؛ که قشنگ‌ترین لحظات زندگی؛ مدد رساندن به مددجویان بی‌پناه و سرگذشته است.

و بالاخره نکته آخر اینکه وی در آثار خود؛ فضایل نیک انسانی را ارج می‌نهد و رداییل را به شدت فرو می‌گذارد. در داستان قو، او پسر بچه‌ای پاک و بی‌آلایش و در عین حال خلاق را دارد که در مقابل دو پسر بزرگتر دیگر؛ که وی آنها را اراذل و اوباش خطاب می‌کند، قرار می‌دهد. آن پسر نوجوان آبرومند در نهایت به خاطر قلب پاکش از مهلکه می‌گریزد و در اینجا خداوند به کمک او می‌آید.

سعی کرده‌ام در این سلسله‌ی داستان‌های کوتاه شاهکار؛ علاوه بر داستان‌پردازان بلندآوازه؛ در هر چند شماره؛ داستانی کوتاه از این نگارنده‌ی فقید را نیز بگنجانم؛ باشد که در نظر آید و در قبول افتد.

تیمور قادری